

نیم قرن ثبات دستمزدها در امریکا

تصاویر اقتصادی

فرانک استریکر



ترجمه‌ی احمد سیف



آمار وضعیت اشتغال از سوی دفتر آمار کار ایالات متحده برای نوامبر نشان می‌دهد که بازار کار از مشکلات بزرگ اعتصابات و طوفان‌هایی که منجر به ایجاد مشاغل اندک در ماه اکتبر شد، عبور کرده است. در آن زمان فقط ۱۲,۰۰۰ شغل تازه اضافه شد. در نوامبر، ۲۲۷,۰۰۰ شغل اضافه شد - کافی نیست، اما نسبت به استانداردهای معمولی خوب و بهتر از شش ماه از هشت ماه گذشته بود. بخش‌هایی که در ایجاد مشاغل پیشرو بودند شامل مراقبت‌های بهداشتی، تفریحات و مهمان‌داری و بخش عمومی بودند.

برای داشتن دیدگاهی بلندمدت در مورد آنچه که در نیروی کار اتفاق می‌افتد، می‌توانیم به جایی که تعداد مشاغل در مقایسه با سطوح قبل از همه‌گیری قرار داشت نگاه کنیم. آیا همانطور که دو نویسنده‌ی واشنگتن پست، لورن کائوری گورلی و اندرو آکرمن ادعا کردند سطوح فعلی هنوز پایین‌تر از سطوح قبل از همه‌گیری هستند (۶ دسامبر ۲۰۲۴)؟ به نظر من خیر. زمانی که همه‌گیری در سال ۲۰۲۰ آغاز شد، تعداد کل کارکنان غیرکشاورزی ۲۱.۶ میلیون نفر کاهش یافت، از ۱۵۲ میلیون نفر در ژانویه به ۱۳۰.۴ میلیون نفر در آوریل. از آن زمان به بعد، تعداد کل کارکنان غیرکشاورزی به ۱۵۹.۳ میلیون نفر افزایش یافته است، یا حدود ۷ میلیون نفر بیشتر از بالاترین سطح قبل از همه‌گیری. اما این افزایش پنج‌ساله به‌طور قابل توجهی کمتر از سایر افزایش‌های پنج‌ساله است، از جمله دوره‌ی بین ژانویه ۲۰۱۵ تا دسامبر ۲۰۱۹ که افزایش بیش از ۱۱ میلیون نفر در تعداد کارکنان غیرکشاورزی را شاهد بوده‌ایم. به‌طور خلاصه، ما پایین‌تر از سطوح قبل از همه‌گیری نیستیم، اما افزایش مشاغل بسیار کم‌تر از چیزی است که در برخی دوره‌های پنج‌ساله‌ی دیگر بوده است. همه‌گیری زخم‌های دائمی به جا گذاشت.

سویه‌ی مثبت برای کسانی که دیدگاه‌های جریان اصلی را دارند، این است که نرخ بیکاری رسمی در ده ماه گذشته بین ۳.۹٪ تا ۴.۲٪ نوسان داشته است. این برای بسیاری از ناظران به معنای اشتغال کامل است. اما همانطور که در گزارش کامل ما دیده می‌شود، اگر افرادی که به دنبال شغل هستند اما به روش‌های مشخص دنبال کار نیستند و کارگران نیمه‌وقت که به دنبال کار تمام‌وقت هستند و نمی‌توانند آن را پیدا کنند را به حساب آوریم، نرخ بیکاری به ۹.۸٪ می‌رسد. برای ده‌ها میلیون نفر پیدا

نیم قرن ثبات دستمزدها در امریکا

کردن شغل این قدر آسان نیست. برخی از آنها دلسرد می‌شوند و جست‌وجوی فعال را متوقف می‌کنند.

اگر واقعاً در وضعیت اشتغال کامل یا نزدیک به آن بودیم، باید انتظار می‌داشتیم که دستمزدهای واقعی به شدت افزایش یابند. ولی داستان دستمزدها چیست؟ نه خیلی بد، نه خیلی خوب. از نظر قدرت خرید، دستمزد ساعتی - دستمزد واقعی - کارکنان غیرکشاورزی در بخش خصوصی، در برخی ماه‌های سال گذشته افزایش یافت. اما نه به مقدار زیاد. در طول سال، دستمزد واقعی ساعتی ۱.۳٪ افزایش یافت و همین میزان افزایش در دستمزد واقعی هفتگی نیز مشاهده شد. تورم، اگرچه نسبتاً پایین بود، هنوز آن قدر بالا بود تا بیشتر افزایش ظاهری دستمزدها (۳.۹٪) را محو کند.

| |
|---|
| گزارش کامل نوامبر ۲۰۲۴ |
| بیکاران رسمی: ۷.۱ میلیون نفر (۴.۲٪) |
| بیکاری پنهان: ۱۰.۰ میلیون نفر: شامل ۴.۵ میلیون نفر که به دلیل عدم یافتن شغل تمام‌وقت، به صورت نیمه‌وقت کار می‌کنند و ۵.۵ میلیون نفر که به دنبال شغل هستند اما به صورت فعال جستجو نمی‌کنند. |
| جمع کل: ۱۷.۰ میلیون نفر (۹.۸٪ از نیروی کار) |
| ا[برای هر شغل موجود، ۲.۲ نفر به دنبال شغل هستند]. |

منبع: دفتر آمار کار ایالات متحده

از نظر اعداد مطلق، متوسط دستمزد هفتگی این کارکنان کمی بیشتر از ۱۰۰۰ دلار است. برخی خیلی بهتر از این درآمد دارند و برخی بسیار کمتر. و آیا درآمد ۵۰,۰۰۰ دلار در سال زیاد به نظر می‌رسد؟ برای کارگران با دستمزد پایین شاید بله. اما اگر شما این مبلغ درآمد دارید و از یک یا دو نفر از افراد وابسته حمایت می‌کنید، زیاد نیست. اگر اجاره‌تان ۱۵۰۰ دلار در ماه یا حتی فقط ۱۲۰۰ دلار باشد، این مبلغ معادل ۱۸,۰۰۰ دلار یا ۱۴,۴۰۰ دلار از درآمد شما در هر سال است. اغلب پس از

پرداخت اجاره، مالیات‌ها و سایر کسرها، چیزی باقی نمی‌ماند که برای بقیه‌ی هزینه‌های معمولی شما، به‌علاوه‌ی اضطراری‌ها، مانند زمانی که خودروی شما خراب می‌شود، کافی باشد.

واقعیت غم‌انگیز این است که برای پنج دهه، اکثر رهبران احزاب عمده و سایر جنبش‌ها و نهادهای جریان غالب نتوانسته یا نخواسته‌اند که به‌طور جدی به مسئله افزایش دستمزدها پرداخته و در آن زمینه اقدام کنند. در مقاله‌ای که در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۴ در نیویورک تایمز منتشر شد، نیکلاس کریستوف اشاره کرد که کارگران صنعتی امروزی هر هفته برحسب ارقام واقعی کمتر از سال ۱۹۷۲ درآمد دارند. پس از کاهش‌های شدید در دهه‌های ۷۰ و ۸۰، بازگشت به وضعیت دستمزدهای نیم قرن پیش، یک حرکت کند و طولانی بوده است.

اما صبر کنید. در سایتی به نام CAP20، بابی کگن و برندان دوک در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۴ این تیتراژ منتشر کردند: «دستمزدهای آمریکایی بالاتر از همیشه بوده است». خوشحال باشیم؟ فکر نمی‌کنم. بدون در نظر گرفتن تأثیرات بازار کار ناشی از همه‌گیری، دستمزد ساعتی کارکنان تولیدی و کارگران معمولی به‌سختی بیشتر از اوایل دهه‌ی ۷۰ است. بنابراین این واقعیت به‌طور کلی با استدلال کریستوف هم‌راستا است. قدرت خرید دستمزدهای ده‌ها میلیون نفر از کارگران متوسط آمریکایی تقریباً همان‌طور که در دهه‌ی ۱۹۷۰ بود، باقی مانده است. نیم قرن بدون پیشرفت در حالی که ثروت کل کشور به‌شدت افزایش یافته است.

نمی‌خواهم زیاد پیش‌بینی کنم، اما به نظر می‌رسد بدیهی باشد که هر سیاست جدی برای افزایش دستمزدهای پایین‌تر باید به‌عنوان نقطه‌ی شروع حداقل شامل تعیین حداقل دستمزد فدرال ۲۰ دلار در ساعت در طی دو یا سه سال آینده باشد. و برای افزایش‌های آینده هم برنامه‌ریزی لازم صورت بگیرد. (برخی از این تغییرات در بعضی ایالت‌ها و شهرهای مختلف و برای بخش‌های خاص در حال وقوع است.) شکوفایی گسترده‌تر همچنین نیازمند بازتوزیع جدی پول از دهک‌های بسیار ثروتمند به نیمه‌ی پایینی است. خانوارهای ۱۰٪ بالای جامعه به‌طور متوسط ۶.۶ میلیون دلار دارایی خالص دارند. بیشتر افزایش‌های دستمزد کارکنان نباید با افزایش قیمت‌ها تأمین مالی

نیم قرن ثبات دستمزدها در امریکا

شود که منافع ناشی از افزایش قیمت‌ها توسط مالکان سرمایه و سایر افراد با درآمد بالا جذب می‌شود، در حالی که مردم عادی با تورم بالا برای خرید نیازهای روزمره مواجه خواهند شد.

پیوند با متن اصلی:

<https://www.dollarsandsense.org/archives/2024/1224stricker.html>